یادداشت

رحیم زیادعلی

جنسیتی کردن انتخابات فریبکاری جدید تجدیدنظرطلبان

این روزها بازار رقابت‌های انتخاباتی داغ است و هر جریان سیاسی به فراخور نفوذ و عملکردی که در کارنامه خود نزد افکار عمومی دارد، تلاش می‌کند آرای مردمی را به سمت خود متمایل کند تا سهم بیشتری از کرسی‌های بهارستان را از آن خود نماید.

نیروهای انقلاب گرچـــه در جریان انتخابات ســـال ۹۲ و پس از آن دچار انشقاق و شکنندگی شدند، اما برخی شواهد نشان می‌دهد بزرگان این جریان خیلی زود به خود آمده‌اند و اکنون به ســـمت همگرایی و وحدت حداکثری پیش می‌روند، گرچه قضاوت در این زمینه کمی زود است و باید منتظر ماند. سوی دیگر ماجرای انتخابات تحرکات حزب نزدیک به دولت یعنی «عدالت و توسعه» است که می‌کوشد سهم قابل توجهی از مجلس دهم را به‌دست آورد. این حزب گرچه با تابلوی دولت وارد نشده است، اما حضور ســـران آن در مدیریت‌های بالای دولت یازدهم شائبه استفاده از موقعیت‌ها و امکانات دولتی را ایجاد کرده است.

در این میان اما وضعیت جریان موسوم به اصلاحات که طی دو سال گذشته به مدد دولت یازدهم، از حاشیه عبور کرده و به متن نزدیک شده، کمی متفاوت اســـت. جماعت اصلاح‌طلب گرچه به لحاظ تبلیغی و رسانه‌ای کوشیده است تصویری منسجم از خود به افکار عمومی القا نماید، اما اعترافات گاه‌وبیگاه تئوریســـین‌های این جریان کمترین تردیدی باقی نگذاشته است که آنها همچنان سردرگم، بلاتکلیف و از هم پاشیده هستند. محمدرضا تاجیک هفتم آذرماه در گفت‌وگو با روزنامه اعتماد می‌گوید: «چیزی که ما خـــلأ آن را داریم و بن‌مایه رنج اصلاح‌طلبان شـــده اینکه مانیفست یا گفتمان اصلاح‌طلبی تعریف‌شده نیست؛ چیزی که خیلی ابهام و ایهام دارد و تعریف و تصویب نشده است... ما از یک گفتمان تعریف نشده و هنوز انضمامی نشده که حالتی انتزاعی دارد صحبت می‌کنیم و همین موضوع مصایب فراوانی را برای ما به همراه داشته است... اگر شما جایی بخواهید به دنبال مانیفست اصلاح‌طلبی باشید که قبلاً تهیه شده باشد و بقیه زیر آن را امضا کرده باشند هرگز پیدا نمی‌کنید....» وی درباره مصائب نداشتن مانیفست اصلاحات می‌گوید: «از کسی که به نام اصلاح‌طلبی می‌رود و با فرح پهلوی ملاقات می‌کند تا کسی که با خارج از کشور می‌بندد، تا کسی که در پشت تریبون رسانه‌های خارجی می‌خواهد نظام را براندازی کند، همه‌اش را می‌اندازند گردن اصلاح‌طلبان، پس از ماست که بر ماست.»

حال و روز آشفتگی و ســـردرگمی اصلاح‌طلبان این روزها بیشتر نمایان شده است، یک روز تلاش می‌کنند به دولت نزدیک شوند و با آنها به لیست مشترک انتخاباتی برسند و روز دیگر برای سرلیستی، نام شاخص‌های اصولگرایی را سرقت می‌کنند. در کنار اینها اختلافات و تعارضات درونی و مرزبندی کارگزاران را با دیگر احزاب که نقش محوری برای خود قائلند، به این اختلافات اضافه کنید.

در وانفســـای این چند پارگی‌هـــا و تعارضات بازی جدیـــدی که جریان تجدیدنظرطلب آغاز کرده است و البته سابقه قبلی هم دارد، استفاده ابزاری از زن در انتخابات مجلس شورای اسلامی است. گویی در پیگیری دو هدف قبلی به بن بست خورده‌اند. فعالان جبهه اصلاح‌طلب در اقدامی گسترده حضور زنان در انتخابات مجلس را تبلیغ و تشویق می‌کنند به گونه‌ای که کمتر روزنامه‌ای از رسانه‌های آنها می‌توان یافت که درباره ضرورت حضور زنان در انتخابات یادداشتی، گفت‌وگویی یا تحلیلی ارائه نکرده باشد.

پای ثابت این فریبکاری سیاسی هم دفاع از حقوق اجتماعی ۵۰ درصد جمعیتی اســـت که به تعبیر آنها تاکنون مغفول مانده و آنها می‌خواهند آن را احیا کنند! شـــبیه دروغی که در جریان فتنـــه ۸۸ روی داد و آنها با کشته‌سازی‌های جعلی نظیر سعیده پورآقایی، ترانه موسوی و عاطفه امام برای آنها مجلس ختم گرفتند، بیانیه دادند و حتی بر گورهای خالی فاتحه خواندند؛ دروغی که دنبال آن بود تا با تحریک احساسات مردم آنها را علیه نظام بشورانند و چند صباحی بیشتر مردم را در کف خیابان‌ها حفظ کند، اما به‌سرعت رنگ باخت و آنها هنوز نتوانسته‌اند برای توجیه آن دلیلی بیاورند. همه این اشک تمساح ریختن‌ها در حالی است که بر اساس قانون انتخابات کشور، هیچ محدودیتی برای حضور بانوان در انتخابات وجود ندارد و آنها هم می‌توانند همچون مردان، خود را در معرض رأی و انتخاب افکار عمومی قرار بدهند، روندی که تاکنون طی شده و همچنان هم ادامه دارد. بنابراین پاسخ این رفتارها را نه در اعتقاد و اعتماد آنها به بانوان برای قرار گرفتن در مناصب حکومتی که در استفاده ابزاری از این ظرفیت برای مطامع سیاسی و حزبی‌شان باید جست‌وجو کرد.

افکار عمومی هنوز از یاد نبرده‌اند که در جریان انتخابات هیئت رئیســـه شورای شـــهر تهران (که انتظار می‌رود مناسبات حزبی و سیاسی در آن دخالت نداشته باشد) پس از آنکه الهه راستگو، عضو اصلاح‌طلب شورای شهر به مهدی چمران رأی داد، چگونه او را از اردوگاه اصلاح‌طلبی اخراج کردند و شدیدترین حملات رسانه‌ای را علیه او سامان دادند و حتی تهدید به برخورد فیزیکی شد. این واقعیت مدعیان جریان به اصطلاح اصلاح‌طلبی است که در عمل ثابت کرده مقلدان پروپاقرصی برای اندیشه ماکیاولیستی هستند؛ اندیشه‌ای که در قاموس او هدف وسیله را توجیه می‌کند.

حال آنکه همانگونه که اشاره شد بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی در دو سطح انتخاب‌کننده و انتخاب‌شونده هیچ محدودیت جنسیتی وجود ندارد. بنابراین اگر بپذیریم دنیای امروز دنیای تخصص و کارآمدی است و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در کنار صلاحیت‌های عمومی باید واجد تخصص‌ها و کارآمدی‌های مورد نیاز باشند، جنسیت نباید هیچ‌گاه به عنوان ملاک و معیار این انتخابات باشد. جنسیتی کردن انتخابات نه توجیه عقلانی دارد و نه با هیچ یک از معیارها و اصول چرخش نخبگان همخوانی دارد. حتی می‌توان ادعا کرد این نگاه توهین به شعور سیاسی و اجتماعی مردم است.

خبر آخر

آغاز بررسی صلاحیت داوطلبان انتخابات مجلس در هیئت‌های اجرایی

رونـد بررسـی صلاحیـت داوطلبـان انتخابـات دهمیـن دوره مجلس شـورای اسلامی از صبـح دیـروز در هیئت‌هـای اجرایـی حوزه‌هـای انتخابیـه سراسـر کشـور آغـاز شـد.

به گزارش ایرنا، بررسی صلاحیت داوطلبان انتخابات مجلس شورای اسلامی در هیئت‌های اجرایی تا چهاردهم دی ماه ادامه خواهد داشت و در صورت رد صلاحیت داوطلبان در هیئت‌های اجرایی فرمانداران مراتب را تا ۱۵ دی‌ماه به آنها ابلاغ می‌کنند. همچنین زمان اعتراض داوطلبان ردصلاحیت شده به نتایج بررسی صلاحیت هیئت‌های اجرایی ۱۶ تا ۱۹ دی‌ماه است و به شکایات و بررسی صلاحیت‌ها از سوی هیئت نظارت استان ۲۰ تا ۲۶ دی‌ماه رسیدگی می‌شود. دریافت شکایت از داوطلبان رد صلاحیت شده و اظهارنظر قطعی و نهایی شورای نگهبان در مورد تمامی داوطلبان و اعلام قطعی اسامی به مراکز حوزه‌های انتخابیه توسط وزارت کشور نیز از ۲۷ دی تا ۱۶ بهمن‌ماه خواهد بود. زمان دریافت شکایت از داوطلبانی که در مراحل قبل تأیید اما در شـــورای نگهبان رد صلاحیت شده‌اند از ۱۷ تا ۱۹ بهمن ماه است و این نهاد از ۲۰ تا ۲۶ بهمن به شکایات رسیدگی می‌کند. اسامی قطعی نامزدها نیز ۲۷ بهمن‌ماه به وزارت کشور اعلام می‌شود و فرمانداری‌ها اسامی آنان را ۲۸ بهمن‌ماه منتشر می‌کنند. تبلیغات انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی از ۲۹ بهمن‌ماه آغاز می‌شود و تا پنج اسفندماه ادامه خواهد داشت. نامزدهای انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی و انتخابات پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری در روز ششم اسفندماه ۹۴ ممنوعیت تبلیغات خواهند داشت و هفتم اسفند نیز شاهد برگزاری انتخابات و حضور مردم در پای هزار و ۵۵۳ صنـــدوق رأی خواهیم بود تا حماسه‌ای دیگر در ادامه حماسه ۹۲ خلق شود.

فتنه ۸۸ سوءتفاهم یا بیماری عمیق؟!

گزارش

جعفر تکبیری

انتخابات دهم ریاست جمهوری و فتنه پس از آن را باید یکی از پیچیده‌ترین شرایط چهار دهه گذشته انقلاب اسلامی دانست که به واسطه آن ریزش‌ها و رویش‌های فراوانی در مقابل جمهوری اسلامی ایران قـرار گرفت. فتنه‌ای بی نظیر کـه گروه‌ها و جریانات سیاسـی و بسـیاری از شـخصیت‌های شناخته شده کشور، در شـناخت حق و باطل آن دچار بحران شـدند و همین موضوع باعث شد تا در ادامه بـا چالش‌های جدی در عرصه سیاسـی کشور روبه‌رو شوند. این روند پیچیده تا آنجا ادامه پیدا کرد که پس از هشت‌ماه صبوری مردم و نظام، به یکباره خروش عمومـی علیه فتنه‌گرانی که به هتک حرمت عاشورای حسینی پرداخته بودند، بساط این بازی هشت‌ماهه برچیده شد. خروشی عمومی در ۹ دی که در تقویم مناسبت‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران ثبت شد و هر ساله توسط اقشار مختلف مردم مورد پاسداشت قرار می‌گیرد.

اما در این میان نکته قابل ذکر، نقش بی‌بدیل ولایت فقیه در دفع این تهدید بزرگ علیه کشـور بود. رهبر معظم انقلاب همواره در این واقعه کوشـیدند که با شفاف‌سازی عرصه و ارائه هشدارها برای آگاهی‌بخشی ملت بـــه ویژه نخبگان و خواص، کشـتی نظـام را از توفانی که در آن گرفتار شده، نجات دهند. ایشان در سخنرانی‌های مکرر خود در ایام فتنه و پس از فتنه ۸۸ کوشیدند با ارائه مثال‌های تاریخی و بیان وقایع پشت پرده جریانی که علیه جمهوریت و اسلامیت نظام قیام کرده بود، فضا را برای نخبگانی که دچار تحلیل غلط در این مسیر شده‌اند، شـفاف نمایند. این اشارات و شفاف‌سازی‌های رهبر معظم انقلاب در حالی صورت گرفت که امروز با گذشت بیش از شش سال از وقایع تلخ آن روزهای کشور، مسـببان و بانیان این فتنه به واسطه روی کار آمدن دولت اعتدالی به دنبال بازگشت بدون هزینه به قدرت هستند.

■ فتنه را نباید فراموش کرد

این حرکت جریان تجدید نظر طلب برای بازگشـت آرام و بدون سر و صدا به حاکمیت، بار دیگر از مسیر انتخابات در حال شـکل گیری است، روندی که این جریان در سال ۸۸ نسبت به تخریب و زیر سوال بردن آن همت گمارد و حالا به نردبانی برای این بازگشت تبدیل شـده اسـت، به نحوی که در جریان ثبت نام از کاندیداهای مجلس شـورای اسـلامی بسیاری از چهره‌های مشهور این جریان با حضور در محل‌های مخصوص ثبت‌نام، برای حضور در انتخابات نام‌نویسی کردند تا از همان فیلتری بگذرند که در سال ۱۳۸۸ حکمیت آن را برای رأی دادن در خصوص سـلامت انتخابات نپذیرفتند.

در عین حال جریان فتنه و منسوبان به آنها در قبال تلاش هشت ماهه‌شان برای ناامن کردن کشور تاکنون هیچ پاسخ شفافی ارائه نکرده‌اند و از همه مهم‌تر آنکه آنها می‌کوشـند برگزاری انتخابات را به بهانه جلب مشـارکت عمومی به نفع جمهوری اسلامی ایران به ابزاری برای تطهیر خود و بازگشت بدون عذرخواهی به حاکمیت تبدیل کنند.

از این رو به خوبی مشـخص اسـت که پرونده فتنه ۸۸ که رهبر انقلاب آن را «ریشه دار و بیماری عمیق قلمداد» کرده‌اند، قرار نیست که با حضور و مشارکت طراحان این حوادث تلخ بسته شود؛ چراکه قطعا یکی از شاخص‌ها و ملاک‌ها برای تایید صلاحیت داوطلبان حضور در مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری خط مشی آنان در قبال فتنه ۸۸ است. موضوعی که می‌توانـد باعث عدم تأیید صلاحیـت بخش بزرگی از وابسـتگان به جریان تجدید نظر طلب شـود که می‌کوشـند از فرصت انتخابات برای عبـور از فتنه بهره بگیرند.

■ تلاش برای تحریف فتنه

تجدیدنظرطلبان در راستای عبور از فتنه می‌کوشند به تحریف واقعیت آنچه که طی هشت ماه در کشور گذشته، بپردازند. اقدامی که می‌کوشد بروز فتنه را یک «سـوءتفاهم» معرفی کند یا وقایعی را که اصل و ریشـه نظام را هدف گرفته بود، دعوای انتخاباتی کاندیدای پیروز و مغلوب معرفـی کنند. کما اینکه هم‌اکنون افرادی در برخی نهادهای کشـور حضور دارند که با تقلیل جایگاه فتنه در سـپهر سیاسـی کشور و زمینه‌سازی برای آزادی سران فتنه و هویت بخشیدن به سـایر چهره‌های وابسته به این جریان، اهداف و بازی‌های سیاسی خود را در آستانه انتخابات اجرایی کنند.

■ کلید فتنه جدید

اما کشور در حالی به فضای انتخاباتی اسفند ماه وارد می‌شود که هنوز دغدغه‌های بسـیاری در خصوص وقوع فتنه‌های جدید در این ایام وجود دارد؛ فتنه‌ای که می‌تواند این بار بـه بهانه رد صلاحیت چهره‌های شاخص جریان تجدید نظرطلب در انتخابات مجلس باشـد. این نکته‌ای اسـت که رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز عید فطر سال ۹۰ آن را گوشزد کردند و فرمودنـد: «انتخابات، تجلی حضـور مردم، مظهر مردم‌سالاری دینی و ذخیره و پشتوانه امنیت کشور است و باید مراقب بود که این پشتوانه بزرگ، به چالشی برای امنیت کشور تبدیل نشود.»

در این میان نگاهی به ریشـه‌های شکل گیری فتنه ۸۸ می‌تواند زمینه درک بهتر و وسیع‌تر سخنان رهبر انقلاب مبنی بر هوشیاری درباره انتخابات پیش‌روی مجلس را بیش از پیش فراهم کند.

شاید زمینه‌های شکل‌گیری این فتنه عمیق به روزهای روی کار آمدن اصلاح‌طلبان در دولت ششم و هفتم و مجلس ششم باز می‌گردد؛ دوره‌ای که زمینه‌ساز تقویت بنیان‌های سکولاری در جامعه شد که پدیدآورنده آن حلقه‌های کیان بود و این روند تا انتخابات دهم ریاست جمهوری ادامه پیدا کرد تا پس از شکست‌های متوالی برای بازگشـت به قدرت، چهره واقعـی این جریان قدرت‌طلب با هدایت فتنه ۸۸ ظهور پیدا کند. بنابراین اولیـن و مهم‌ترین عامل وجود یک جریان سـکولار قدرت‌طلب در رأس هدایت فتنه ۸۸ بود.

عامل دوم در این میان، انتخابات بود که بستر رشد و نمو و تکثیر این فتنه را فراهم کرد. نگاهی به جریان انقلاب‌های رنگی و براندازی‌های نرم در کشـورهای بلوک شرق به خوبی نشان می‌دهد که زمینه تمامی این براندازی‌ها ادعای تقلب در انتخابات بود. فتنه ۸۸ نیز ابتدا با شـعار تقلب در انتخابات آغاز شد و سپس پای خود را فراتر از انتخابات قرار دادند و ارکانی را مورد هدف قرار دادند که هیچ ارتباطی به انتخابات و ادعای تقلب در آن نداشت. اما عامل سوم و شاید مهم‌ترین زمینه فتنه ۸۸، خواست نیروهای خارجی و دشمنان برای براندازی نظام جمهوری اسلامی بود. مؤید این ادعا دخالت مستقیم عناصر سفارتخانه‌های خارجی در تهران و همچنین حمایت بی‌حد و حصر از این جریان از تزریق پول گرفته تا پناه دادن به مجرمان فتنه ۸۸ توسط کشورهای خارجی بود.

از این رو به نظر می‌رسد که با فضای ایجاد شده پس از برجام که احتمال نفوذ دشـمنان در کشور شدت گرفته، بعید نیست که این بار کلید فتنه از عطش به قدرت‌بازگشتن جریان تجدیدنظرطلب و ردصلاحیت احتمالی چهره‌های شاخص آنان توسط دستگاه‌های نظارتی و در نهایت دخالت نیروهای خارجی از طریق پروژه نفوذ شکل بگیرد.

جوابیه

پاسخ «جوان» به جوابیه صادق زیباکلام

شما رسالتی جز مبارزه با آرمان‌های امام(ره) ندارید!

در پی چاپ مطلبی بـا عنوان «زیبـاکلام، امام و سیدحسن خمینی» در ستون سایه روشن صفحه ۲ روزنامه جوان به تاریخ ۳۰ آذر ۹۴ که در آن با آوردن مصادیقی، مواضع وی در تضاد آشکار با اندیشه‌های امام خمینی (ره) ارزیابی شده بود، دکتر زیباکلام روز گذشته با ارسال جوابیه‌ای تفصیلی بار دیگر ادعاهای جوان را تأیید کرد و مدعی شد مبارزه امام خمینی با رژیم شاه نه برای نابودی اسرائیل، امریکا، انگلستان و صدور انقلاب بود که برای تحقق آزادی بیان، آزادی اندیشه و ... این دست مطالبات بود!

از آنجا که جوان بر اسـاس قانـون مطبوعات ملزم نیست که متن کامل جوابیه دکتر زیباکلام را منتشر نماید، بنابراین برای تنویر افکار عمومی بخشی از جوابیه ایشان را که معادل دو برابر مطلب مندرج در تاریخ پیش گفته است (حتی کمی بیشتر از تصریح قانون مطبوعات) به همراه توضیحات پایانی جوان به اطلاع خوانندگان فهیم و محترم می‌رساند و قضاوت را به آنها می‌سپارد.

بـا سـلام و تحیـات، در روزنامه جـوان مورخه ۳۰ آذر ۱۳۹۴ جنابعالی در یادداشتی تحت عنوان «زیباکلام، امام و سید حسن خمینی» حمایت بنده از آقای سیدحسن خمینی را مورد انتقاد قرار داده و به مشارالیه هشدار می‌دهید که چه شده که صادق زیباکلام که مواضعش در نقطه مقابل پدربزرگتان و رهبر انقلاب قرار دارد آمده و «سینه‌زن» شما شده است. از جمله به ایشـان یادآور شده بودید که جد شما، رهبر بزرگ انقلاب، دشمنی با امریکا را اصل انقلاب می‌دانسـت، مخالف سرسخت لیبرالیسم و غرب بود و خواهان نابودی اسـرائیل، در حالی که زیباکلام که هیچ کـدام اینها را باور نـدارد حامی شما شده؛ و با نگرانی به مشارالیه ابراز می‌دارید که نیروهای انقلابی و حزب‌اللهی نگران این وضعیت شده‌اند. مبادا که خدای ناکرده مشکلی و تذبذبی در مواضع انقلابی شما پیش آمده که این لیبرال طرفدار امریکا و غرب که تازه اسـرائیل را هم به رسـمیت می‌شناسد (البته رضاشاه را از قلم انداخته بودید)، پا پیش گذاشته و دارد از شما حمایت می‌کند.

به زبان بی‌زبانی به سیدحسن خمینی می‌فرمایید تو را چه شده که به‌جای آنکه حزب‌اللهی‌ها، انقلابی‌ها و خط امامی‌ها از تو حمایت کنند، صادق زیباکلام لیبرال، غرب‌زده، امریکایی که تازه اسرائیل را هم به رسمیت می‌شناسد دارد از شما حمایت می‌کند؟ با نگرانی به آقای سیدحسن خمینی می‌فرمایید که جد تو که رهبر این انقلاب بود یک‌لحظه از اندیشه مبارزه با امریکا و غرب و یـک آن از دغدغه نابودی اسرائیل غافل نبود و حالا ببین پشت سرت زیباکلام وابسته دارد سینه می‌زند. کدام را می‌خواهی انتخاب کنی: سازش و مماشـات با امریکا، غرب، اسرائیل، نظام سلطه و لیبرالیسم را یا پیکار با شیطان، نظام سلطه، محو اسرائیل و صدور انقلاب را؟

اتفاقـاً جنـاب آقـای دکتـر گنجی عزیـز یکی از بزرگ‌تریـن خدمات خمینی جـوان به انقلاب پرداختن به همین موضوع است. اینکه چه شد که انقلابی که به نام خدا و برای تحقق دمکراسی بود و نه به دنبال صدور انقلاب بود، نه درصدد خونریزی و انتقام و نه خواهان مرگ و نیستی و نابودی کشور و ملت دیگری بود و شیوه مبارزات مسالمت‌آمیز و پرهیز از اقدامات خشـونت‌آمیز و تلافی‌جویانه آن توجه و احترام جهانـی را برانگیخته بود، آن‌چنان در ماه‌های نخسـتین بعد از پیروزی‌اش به سمت خشونت، به سـمت تندروی و مبارزه و دشمنی با مخالفین، صدور انقلاب و خصومت با غرب و اروپا و امریکا و نظام سرمایه‌داری رفت. شاید خمینی جوان روزی دریابند که بزرگ‌تریـن خدمتی که در حق جدشان می‌توانند بنمایند آن است که به نسل‌های بعد از انقلاب، به نسل‌های دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ نشان دهند که انقلابی که جدشان رهبری آن را بر عهده داشتند خواهان مرگ و نیستی و نابودی هیچ ملت و کشوری از جمله امریکا و اسرائیل هم نبود.

ایام به کام باد

صادق زیباکلام

■ توضیحات جوان:

۱ـ خوشبختانه جناب زیباکلام مواردی که «جوان» از زبان ایشان به عنوان نقطه مقابل امام آورده بود را تکذیب نکرده است که البته آنچه ایشان بارها گفته و مضبوط است قابل تکذیب نیست.

۲ـ ایشان از واژه «سینه‌زن» برآشفته شده‌اند و به خلط بحث پرداخته‌اند. خود ایشان می‌داند که در فرهنگ عامه ایرانیان سینه‌زدن الزاماً به حوزه مذهب و عاشورا ارجاع نمی‌شود. بلکه به عنوان «ارادت» و همراهی نیز به کار برده می‌شـود و حالت استعاره دارد. بارها این جمله را شـنیده‌ایم که «کسانی که ذیل پرچم امام جمع بودند یا زیر پرچم امام سینه زدند ...». سـینه زدن در محاورات الزاماً به معنای سینه‌زنی مصطلح نیسـت که بعید است زیباکلام این را نداند. لذا بر این باوریم کـه با تغافل آگاهانه مستمسکی برای بهانه‌تراشی ساخته‌اند. علاوه بر این بعید است کسی که در همه ابعاد نقطه مقابل حضرت امام است توفیق همان سینه‌زنی واقعی اباعبدالله را هم پیدا کرده باشد.

۳ـ آنچه ایشان به مدیرمسئول روزنامه جوان نسبت داده را می‌گذریم چرا که مباحـث مهم‌تری را در تحریف امام طرح نموده‌اند. زیباکلام مشت خود را درباره امام باز کرده اسـت و با صراحت بخشی از اندیشه امام را پنهان می‌پسندند. به سان اکبر گنجی امام را طوری می‌پسندند و تفسیر می‌نمایند که با رهیافت‌های سیاسـی ـ فکری غرب تطبیق یابد، در غیر این صورت اعتقادی به وی ندارد. زیباکلام با صراحت ابعاد جهانی انقلاب امام را کتمان و تلاش می‌کند یک امام متساهل، منفعل و بی‌خاصیت در مقابل جهانی که امام به آن «جهان کفر و بربریت» می‌گفت ترسـیم کند که البته این کار را صرفاً با تفسیر انجام نمی‌دهد بلکه با صراحت امام را کتمان می‌کند. انگاره ذهنی ایشان و بخشی از روشنفکران نبود آزادی در کشور است. ایشان چه کار دیگری مانده است که انجام نداده باشد؟ همه سیاست‌های کلی، آرمان‌ها، اهداف و شعارهای انقلاب اسلامی را به سخره گرفته است، فقط دو کار را انجام نداده است، دست بردن به اسلحه یا مهاجرت به فرنگ. اما جفاهای ایشـان (در این پاسـخ) در حق امام آنقدر علنی و صریح است که حتماً حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی و مؤسسه امام موضع خواهند گرفت.

ایشان با خط دادن به سیدحسن خمینی می‌نویسد: «یکی از بزرگ‌ترین خدمات خمینی جوان به انقلاب پرداختن به همین موضوع است؛ اینکه چه شد که انقلابی که به نام خدا و برای تحقق دموکراسی بود و نه به دنبال صدور انقلاب...».

زیباکلام علنـاً هزاران جمله از امـام درباره صدور انقلاب را کتمان می‌کند و گویی امام در فرانسـه جمهوری چندم را تشـکیل داده اسـت. در جای دیگری باز توقع خود از سیدحسن را اینگونه برملا می‌سازد: «شـاید خمینی جوان روزی دریابد که بزرگ‌ترین خدمتی که به حق جدشان می‌توانند بنمایند آن است که به نسل‌های بعد از انقلاب نشان دهند که انقلابی که جدشان رهبری آن را برعهده داشتند، خواهان مرگ و نیستی و نابودی هیچ ملت و کشوری از جمله امریکا و اسرائیل هم نبود.» معلوم نیست چه کسانی امروز در ایران خواستار نابودی ملت‌های دیگرند، اما از نگاه امام، ملتی به نام اسرائیل وجود ندارد و از قضا امام بالاتر از مرگ از «محو» برای اسرائیل سخن می‌گفت، اما زیباکلام دوست دارد دست به «تغافل آگاهانه» بزند. آیا امام نفرموده‌اند «ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیزم، سرمایه‌داری و کمونیسـم در جهان هستیم و به یاری خدا تصمیم گرفته‌ایـم نظام‌هایی که بر این سه پایه استوارند نابود سازیم.» جناب زیباکلام امام را نه می‌شـود بزک کرد و نه پنهان. شما از یک سو خجالت می‌کشید پیرو امام باشید و از سوی دیگر می‌ترسید علناً به آن سفر کرده پرخاش کنید، پس لااقل سکوت کنید. شما غیر از مقابله با آرمان‌ها و اهداف امام و سیاست‌های کلی نظام هیچ مأموریت و مسئولیتی برای خود قائل نیستید و این چیزی نیست که بخواهید کتمان کنید یا وارونه جلوه دهید. ما می‌پذیریم که شما نسبتی با امام ندارید و شما هم این مدعای ما را صدها بار ثابت کرده‌اید. حداقل در مبارزه با انقلاب امام مثل اکبر گنجی صادق باشید. این جمله که «من برخلاف شـما هرچه و هر که هستم، خودم هستم و پشت کسی پنهان نمی‌شوم و افکار و عقایدم را از زبان رهبر انقلاب بیان نمی‌کنم» را نفهمیدیم، اما اگر منظور این است که ما پژواک کلام امام و رهبری هستیم خود بدان معترفیم. ما پشت سر کسی پنهان نمی‌شویم بلکه با افتخار پشت امام و رهبری راه می‌رویم. این پرستیژ روشنفکری است که ضمن داشتن دستان خالی در حوزه محتوا، فاصله با راه امام را واجد کف و سوت غرب می‌داند و به خود می‌بالد.

شما در تأسـی به غرب هدف حکومت را در امنیت و رفاه خلاصه می‌دانید. حـال آنکه امام با صراحت می‌فرماید «در انقلاب‌های دیگر طاغوتی می‌آید و طاغوت دیگری را برمی‌دارد و می‌گوید باید من باشم اما ما قیام‌لله کرده‌ایم، اگر آن طاغوت که می‌آید آدم خوبی هم باشد به یک بعد از انسان توجه می‌کند و آن هم بعد مادی است». واقعاً شما به این باور دارید که امام نظام اسلامی را واجد صلاحیت به هر دو بعد انسان می‌داند؟ قطعاً خیر. بنابراین باز تأکید می‌شود حمایت شما از سیدحسن خدای نکرده این تردید را در جوانان انقلابی ایجاد می‌کند که سیدحسن در مسیر امام نیست. شما از سوخته‌شدگان در مسیر مبارزه با امام هستید لااقل به فرزند امام جفا نکنید و در جهت‌یابی نسل سوم و چهارم انقلاب پارازیت پخش نفرمایید.

سرخط

■ جـوان: وزیر سـابق اطلاعات ایجاد فضـای دوقطبـی در جامعه را از طراحی‌های دشمن دانسـت و گفت: مردم باید با کسب آگاهی و بصیرت نسبت به کاندیداها و جریان‌های مختلف سیاسی، بهترین انتخاب را داشته باشند و نیز مراقب باشند تا در این فضای دوقطبی قرار نگیرند.

■ رسا: آیت‌الله حسـن عالمی، نماینده مردم خراسان رضوی در مجلس خبرگان مطرح کردن موضوع شورای رهبری را به مصلحت جمهوری اسلامی و حتی طرح‌کنندگان آن ندانست و با اشاره به جایگاه رفیع خبرگان رهبری تأکید کرد که افرادی که اهل فتنه باشند نمی‌توانند وارد خبرگان شوند.

نگاه

سیدیاسر جبرائیلی

مصوبه ضدایرانی امریکا دقیقاً چه می‌گوید؟

درباره تحریم جدید امریکا علیه ایران (قانون محدودیت ویزا)، تحلیل‌ها و نقدهای فراوانی ارائه شـده اما همگان در این‌باره اتفاق‌نظر دارند که دقیقاً مشـابه تحریم‌های ثانویه‌ای که امریکا تاکنون علیه ایران وضع کرده و مستقیماً شـهروندان کشـورهای مختلف را میان دادوستد با ایران یا امریکا مخیر کرده بود، این قانون نیز شـهروندان ۳۸ کشـور، از جمله اعضای مهم اتحادیه اروپا را میان سفر به ایران و سفر به امریکا مخیر می‌کند. ترجمه این قانـون در عرصه اجـرا، اولاً حذف ایران از مقصد گردشـگری اتباع این ۳۸ کشـور و ثانیاً ایجاد اخلال جدی در تجارت و سـرمایه‌گذاری اتباع این کشـورها با ایران و در ایران است. سرمایه‌گذارانی که طی ماه‌های گذشته برای بازاریابی به ایران سرازیر شده بودند، هم‌اکنون با کاهش اعتبار پاسپورت خود مواجه هستند و بسیاری از آنها که قرار بود بیایند، ویزای خود را برای سفر به ایران لغو کرده‌اند. هم‌اکنون می‌توان درباره این نظریه قدری بیشتر تأمل کرد که سیاست تنش‌زدایی با دشمن، از جانب او نوعی اظهار ضعف تلقی شده و انگیزه او را برای وارد آوردن ضربه‌های بیشتر، صدچندان می‌کند. در دوران آقای خاتمی اگر سیاست تنش‌زدایی باعث شد ایران توسط بوش و در سـطح یک خطابه عمومی جزو «محور شرارت» خوانده شود، در دوران آقای روحانی نیز سیاست تنش‌زدایی با کدخدا -با همه لبخندها و قدم زدن‌ها و مخلفات جدید و بدیع دیگرش- باعث شد ایران مشترکاً توسـط کنگره و دولت امریکا و در سـطح یک قانون رسمی به‌عنوان «مهد تروریسم» دسته‌بندی شود. یک دستاورد بزرگ برجام، می‌تواند عبرت از این ماجرا و پی بردن به ماهیت و نیت دشمن و نیز فرجام اتخاذ سیاست‌هایی از جنس تنش‌زدایی با دشمن باشد.

به هر صورت، این قانون، نقض صریح ماده ۲۹ برجام اسـت که اشعار می‌دارد «اتحادیه اروپایی و دولت‌های عضو و همچنین ایالات‌متحده، منطبق با قوانین خود، از هر گونه سیاست با هدف خاص تأثیرگذاری خصمانه و مستقیم بر عادی‌سـازی تجارت و روابط اقتصادی با ایران، در تعارض با تعهداتشـان مبنی بر عدم اخلال در اجرای موفقیت‌آمیز این برجـام خـودداری خواهند کـرد.» بـه عبارت دقیق‌تـر کلمه، هم‌اکنون برجام به سبب نقض آن از سـوی امریکا زیر پا گذاشته‌شده و دولت جناب حجت‌الاسـلام روحانی باید اقدامات خود در چارچوب برجام را متوقف سـازد و اگر شـوق فراوان به ادامه برجـام دارد، نه با نامه بی‌خاصیت آقـای کری، بلکه در یک شـرایط کامـلاً حداقلی و اغماض از آنچه رخ داده، تنها و تنهـا در صورت تعلیق بند ۲۰۳ قانون Consolidated Appropriations Act دربـاره ایران توسـط آقای اوباما -که کاملاً اختیار آن را دارد و در نامه آقای کری نیز به آن اشاره شده- اجرای تعهدات خود را ادامه دهد.

اسـتنباط ما از رفتار تیم وزارت خارجه دولت یازدهم پس از گزارش آژانس درباره «پی‌ام‌دی» این اسـت که دوستان در مدل جدید خود، ابتدا مواضعی جدی گرفته و فی‌المثل می‌گویند «یا برجام یا پی‌ام‌دی» و یا «قانون محدودیت سفر نقض برجام است» اما با فاصله اندکی اضافه می‌کنند «پی‌ام‌دی بسته شد» و «نامه کری ماجرای ویزا را حل کرد» تا ماجرا فیصله یابد و گام‌های بعدی برداشته شود. این‌گونه مواجهه با مسائل شـاید برای راضی کردن برخی افراد در داخل کفایت کند، اما واقعیت‌ها را تغییر نخواهد داد.

یک نکته ظریف نیز که به توافق برجام برمی‌گردد و این روزها کاربرد دارد، نحوه مواجهه ایران با نقض برجام توسط اطراف مقابل است. در برجام تصریح شده که اگر آژانس گزارشی دهد که نشان‌گر عدم انجام تعهدات ایران باشد، یا اگر یکی از اطراف مقابل ایران مدعی نقض برجام شـود، تحریم‌ها به‌صورت خودکار برمی‌گردد، اما درباره نقض برجام توسط غربی‌ها، چنین مکانیسـمی چیده نشده که اگر اینها بدعهدی کنند، برجام خودبه‌خود نقض شده و ایران انجام تعهدات خود را متوقف خواهد کرد، بلکه یک راه دررو برای ادامه برجام به‌رغم نقض عهد توسط غربی‌ها پیش‌بینی شـده و آن این عبارت مکرر «زمینه‌ای برای توقف انجام تعهدات» به‌ویژه در ماده ۳۷ اسـت که «ایران بیان داشته است که چنانچه تحریم‌ها جزئی یا کلی مجدداً اعمال شوند، ایران این امر را به‌منزله زمینه‌ای برای توقف کلی یا جزئی تعهدات خود وفق این برجام قلمداد خواهد نمود.»

به معنی روشـن‌تر، اگر ایران نقـض عهد کند، یا حتی اگر ادعا شـود ایران نقض عهد کرده است، تحریم‌ها اتوماتیک بر خواهد گشت و اگر امریکایی‌ها و اروپایی‌ها نقض عهد کردند، «زمینه‌ای» می‌تواند باشد که ایران شاید بر اسـاس این زمینه، اجرای «بخشی یا همه» تعهدات خود را متوقف بکند شاید هم نکند. رویکرد و عملکرد دولت یازدهم بعد از ۱۸ دسامبر، به ما می‌گوید دولت نمی‌خواهد قانون ویزا را زمینه‌ای برای توقف تعهدات خود قلمداد کند و به‌سرعت در حال اجرای برجام است. دوستان ما در دولت اما توجه داشته باشند که قانون ویزا یک ضربه آزمایشی برای سنجش رویکرد ایران در قبال این قبیل اقدامات است. اگر در برابر آن برخورد شایسته -که همان تعلیق اجرای برجام و منوط کردن آن به تعلیق بند ۲۰۳ قانون CAA توسـط اوباماست- صورت نگیرد، تحریم‌های بعدی و نقض عهدهای بعدی در راه است. عزیزان ما در دولت حتماً شنیده‌اند که چند طرح تحریم جدید در کنگره امریکا از جمله طرح موسوم به H.R ۴۳۱۲ براد شرمن نماینده کالیفرنیا در کنگره امریکا تهیه شده و واشنگتن قصد تشدید تحریم‌های خود علیه ایران در پوشش به بهانه تروریسم و حمایت از مقاومت را دارد.

اگر در قبال قانون ویزا نرمـش صورت گیرد، قانـون H.R ۴۳۱۲ و قانون‌های بعدی نیز پی‌درپی خواهند آمـد و همین دولت، میوه‌ای از قبل برجام نخواهد چید. تفاوت یک سیاستمدار با فرد عامی این است که سیاستمدار، همچون «یک شطرنج‌باز ماهر» حرکات بعدی طرف مقابل خود را پیش‌بینی می‌کند و او را از پیشـروی بازمی‌دارد. دولت البته امروز درباره آنچه رخ‌داده، مختار نیسـت و ملزم به تعلیق اجرای برجام است. برخلاف متن برجام که درباره نقض عهد طرف‌های مقابل ادبیات تشریفاتی دارد و از «ایران بیان داشته... زمینه برای توقف اجرای تعهدات» سخن می‌گوید، یک سند فرابرجام وجود دارد که جلوی این بدعهدی‌های امریکا و غیرامریکا را گرفته است.

در ماده «ثانی» از الزام سوم در فرمان رهبر انقلاب اسلامی، به‌صراحت تکلیف نحوه مواجهه ایران با قانون ویزا روشن شده است: «در سراسر دوره هشت‌سـاله، وضع هرگونه تحریم در هر سـطح و به هر بهانه‌ای (از جمله بهانه‌های تکراری و خودساخته تروریسم و حقوق بشر) توسط هر یک از کشورهای طرف مذاکرات، نقض برجام محسوب خواهد شد و دولت موظف است طبق بند ۳ مصوبه مجلس، اقدام‌های لازم را انجام دهد و فعالیت‌های برجام را متوقّف کند.» این است که دولت قانوناً ملزم به رعایت این فرمان و تعلیق اجرای برجـام تا تعلیق قانون ویزا درباره ایران است. التزام به این الزام، نه‌تنها یک تکلیف قانونی است بلکه دولت محترم یقین بداند این امر موجب عقب‌نشینی شیطان بزرگ و پذیرش شرط ایران برای ادامه برجام خواهد شد.

خبرگزاری فارس با اندکی تلخیص